



زبان مهم ترین عنصر فرهنگ

فریده نورمحمدی

است. یکی دیگر تعریف می کند که دختر دوستم از وقتی به کلاس زبان می رود از پدرش درخواست خرید یک سگ کرده تا در خانه نگاه داری کند. دیگری از آسیب های روابط اجتماعی گسترده دختران و پسران که در این کتابها ترویج می شود، سخن به میان آورد و ... در این مجال بر آن شدیم تا نقدی بزنیم به آنچه که بین اصحاب تعلیم و تربیت و رسانه ها بیان می شود.

کلیدواژه ها: زبان، فرهنگ، هنجارهای فرهنگی

«در کلاس های درس قواعد و هنجارهای فرهنگی اجتماعی حاکم بر زبان کنار گذاشته می شود و صرفاً قواعد گرامری و واژگان و احیاناً تلفظی خاص تدریس می گردد» (افخمی ۱۳۷۹) هر زبانی نمایشگر حوزه مشخصی از تجربه هاست و مسائل و پدیده ها را به شکلی اختصاصی تفسیر می کند. بنابراین، ارزش ها و جهت گیری های اجتماعی در برابر پدیده ها به مدد زبان شکل می گیرند و تثبیت می شوند. زبان به عنوان مهم ترین عنصر هویتی و مغز و اندیشه فرهنگ انسانی دارای بار معنایی فراوانی است که با آموختن آن، این بار معنایی به یادگیرنده منتقل می شود. چنانچه یادگیرنده این معانی را قبلاً دریافت کرده باشد، معانی بر هم منطبق می شوند و اگر تفاوت هایی در راستای هم داشته باشند همدیگر را کامل می کنند. در صورتی که فرد نسبت به موضوعی خالی الذهن باشد این معانی فرهنگی به مفاهیم ذهنی اش اضافه می شود و سپس او به ارزش گذاری این مفاهیم می پردازد. در صورتی که ارزش های فرهنگ جامعه برای فرد درونی شده باشد فرهنگ خودی برایش معیار می شود. این چیزی است که نگارنده از آن به عنوان «فرهنگ خودمعیار» یاد می کند. با فعال بودن فرهنگ خودمعیار در نظام ارزشی افراد، آن ها همه چیز را براساس ارزش های بنیادی پذیرفته شده خود ارزیابی می کنند. اما اگر ارزش های فرهنگی خود را نپذیرفته باشند فضای خالی ذهنشان زمینه پذیرش ارزش گذاری های جدید را به آن ها می دهد. پویایی یک فرهنگ و بودن فضاهایی برای پذیرش عناصر فرهنگی جدید و بومی سازی آن، براساس هنجارهای بنیادی خود این فرصت را به زبان آموز می دهد تا به حذف مفاهیم فرهنگی خود نپردازد و

نویسنده این مقاله موضوع کتاب های آموزش زبان انگلیسی مورد استفاده در آموزشگاه های کشور را به بحث گذاشته است. او از این منظر به موضوع می نگرد که تغییر تصاویر این کتابها بدون تغییر متن و به عبارتی تغییرات سطحی و ظاهری در کتابها چه آثاری می تواند به جا بگذارد.

دبیرخانه سامان دهی منابع آموزشی و تربیتی، در ارزیابی این کتابها نسبت به آسیب های فرهنگی، چه در متن و چه در تصویر حساسیت دارد و آن را در تأیید یک کتاب دخالت می دهد. بنابراین پیداست که با احترام به نویسنده مقاله، نمی تواند این موضوع را به طور کلی تأیید کند. اما انتشار مقاله و تضارب آرا می تواند به روشن شدن ابعاد موضوع یاری رساند. نشریه جوانه از دیدگاه های متفاوت خوانندگان محترم در این موضوع استقبال می کند.

اشاره

تغییر تصاویر بعضی از کتاب های آموزش زبان انگلیسی بدون تغییر در مفاهیم آن و انتقادهای غیرکارشناسانه بعضی از رسانه ها به این اقدام، ما را بر آن داشت تا در این حوزه ورود کنیم. ما سبب فرهنگ را به مثابه بریدن و چسباندن تلقی نمی کنیم، بلکه آن را هویتی پیوسته و پویا می دانیم و عنصر پویایی را، به روز بودن و همگامی آن با نیازهای انسان تلقی می کنیم. در این نگاه اهالی فرهنگ را افرادی فهیم، کنجکاو و انتخاب گر می دانیم که هر چیزی را نمی توان به آن ها دیکته کرد، بلکه هر آنچه که به مرحله عمل می رسد از مجرای ظریف و پنهان به آن ها، به عنوان مخاطب، انتقال داده می شود.

می رود از سینه ها در سینه ها

از ره پنهان صلاح و کینه ها
(مثنوی معنوی، دفتر دوم)

هر از گاهی کتاب های آموزشی زبان انگلیسی در آموزشگاه ها موضوع گفتگوی افراد قرار می گیرد. یکی عنوان می کند خیلی خوب است که بعضی از تصاویر بی حجاب کتاب های آموزشگاهی اصلاح شود. دیگری می گوید واژه شراب به شیر تغییر پیدا کرده

هرآنچه را که دریافت می‌کند در میدان سیال و پویای فرهنگ هویتی خود مورد واکاوی قرار دهد و به‌غناى فرهنگ خود بیفزاید. فرهنگ نیز بنا به پویایی خود، مانند هر پدیده انسانی دیگر، در مسیر رشد خود بعضی از مفاهیم را بارور می‌کند و بعضی از عناصر ضعیف را جا می‌گذارد تا در گذار زمان حذف شود و در عین حال، مفاهیم فرهنگی جدیدی را، که آموزش زبان یکی از راه‌های آشنایی با آن‌هاست می‌پذیرد. گاه برای ما عادت می‌شود که، برای ضبط و ربط امور، به ظاهر بیشتر بها بدهیم. و آن‌گاه ادعا کنیم که: گل در بر و می در کف و معشوق به کام است. (حافظ) شکل‌گیری عناصر فرهنگی و توسعه آن ریشه در مسائل مختلف از جمله پیش‌نیازهای فرهنگ، نیاز روز، جغرافیا، تاریخ یک ملت و سایر عناصر فرهنگی دارد. لذا نمی‌توان با دست‌کاری عناصر ظاهری فرهنگ از توسعه آن جلوگیری کرد یا در زمینه پس‌زدن فرهنگی دیگر اقدام نمود. شاید به جرئت بتوان گفت ریشه‌دارترین اندیشه‌های هر ملت زیرساخت فرهنگ آن‌هاست و نه تنها به‌راحتی بلکه شاید هرگز قابل دستکاری نباشد. و اگر چنین چیز ناممکنی صورت گیرد به‌نظر می‌رسد نوعی تعرض و دست‌اندازی به فرهنگ دیگران محسوب شود.

تصاویر کتاب‌های آموزش زبان انگلیسی گویای قسمتی از فرهنگ اهل آن زبان است. به‌نظر می‌رسد تغییر تصاویر کتاب‌های آموزشی زبان انگلیسی، دانش‌آموزان را در شناسایی فرهنگ آن دست‌اندازی به فرهنگ دیگران محسوب شود.

تصاویر کتاب‌های آموزش زبان انگلیسی گویای قسمتی از فرهنگ اهل آن زبان است. به‌نظر می‌رسد تغییر تصاویر کتاب‌های آموزشی زبان انگلیسی، دانش‌آموزان را در شناسایی فرهنگ آن

حاشیه این نشست از آن به‌عنوان دستاورد یا پیامد آموزش زبان خارجی یاد می‌کردند؛ مانند میل به داشتن سگ خانگی در بین نوجوانان شرکت‌کننده در این کلاس‌ها. آنچه در اینجا باید به آن بپردازیم این است که: «در هنگامی که مفاهیم کتاب آموزشی بار فرهنگ ملت خود را یدک می‌کشد شاید تغییر در ظاهر آن در تشدید تعرض فرهنگ خودی تأثیرگذار باشد.» مثلاً در یک متن از کتاب interchange به داشتن partner، یعنی رفیق و دوست، اشاره می‌کند. حال اگر

ظاهر دختران آن کتاب با پوشش مرسوم در فرهنگ و هنر اجتماعی جامعه ما هماهنگ باشد، شاید به‌طور تلویحی و پنهانی این باور را انتقال دهد که هم می‌شود پوشش داشت و هم می‌شود

به‌نظر می‌رسد تغییر

تصاویر کتاب‌های

آموزشی زبان انگلیسی،

دانش‌آموزان را در

شناسایی فرهنگ آن زبان

دچار تعرض در شناخت

واقعیت‌های این فرهنگ

می‌کند



partner انتخاب کرد. راه دیگر این است که مفهوم را هم عوض کنیم. آن وقت در انتقال صحیح فرهنگ در قالب واقعیت‌های موجود در آن فرهنگ موفق نبوده‌ایم. چون زبان، اندیشه و تجربه‌ها و خواسته‌های بشر است و به تعبیر حضرت علی (ع)، آدمی در زیر زبانش پنهان است. (نهج البلاغه حکمت ۳۸۴)

شخصیت فردی آدمی در زیر زبان خودش و شخصیت ملی‌اش نیز در مفاهیم همین زبان پنهان است.

آدمی مخفی است در زیر زبان

این زبان پرده است بر درگاه جهان چون که بادی پرده را بالا کشید
سرّ صحن خانه شد بر ما پدید
کندر آن خانه گهر یا گندم است

گنج زر یا جمله مار و کژدم است...»
(مثنوی معنوی، دفتر دوم)

البته پر واضح است که تغییر در مفاهیم زبان در حیطه اختیارات صاحبان فرهنگ است. حال اگر کلاً از این مباحث صرف نظر کنیم و خودمان منابع را متناسب با فرهنگ خود تولید کنیم، در تولید کتاب‌های آموزشی زبان نه تنها با همان تعارض که به آن اشاره شد مواجه خواهیم بود، بلکه دسترسی به منابع اصلی original و دست اول علمی نیز برای ما مقدور نخواهد بود. بدون تردید آموزش زبان یکی از عوامل مهم انتقال مفاهیم فرهنگی است. اگر فرهنگی برخوردار از زبان جهانی، و به عنوان یک مرجع علمی، به اقتضای نیازهای تمدنی

آنچه ضروری به نظر می‌رسد تکیه بر فرهنگ خودی در تربیت بچه‌ها و عمق بخشیدن به الگوهای هویتی در تاروپود اندیشه دانش‌آموزان است و این هم حاصل نمی‌شود مگر با زبان آموزی فرهنگ ملی و بومی خودی در سال‌های اولیه شکل‌گیری تربیت

خود را به‌روز کند، به‌طور طبیعی این انتقال مفاهیم با یادگیری آن زبان نافذتر و ارزش‌گذاری آن نیز سریع‌تر خواهد بود، ضمن اینکه محرومیت از یادگیری آن هم خسارات غیرقابل جبرانی را نیز بر جای خواهد گذاشت.

اکنون این واقعیت مطرح می‌شود که یک فرهنگ را نه می‌توان دستکاری کرد و نه می‌توان نسبت به آن بی تفاوت بود یا از پیشرفت‌های آن غافل بود. آنچه ضروری به نظر می‌رسد تکیه بر فرهنگ خودی در تربیت بچه‌ها و عمق بخشیدن به الگوهای هویتی در تاروپود اندیشه دانش‌آموزان است و این هم حاصل نمی‌شود مگر با زبان آموزی فرهنگ ملی و بومی خودی

در سال‌های اولیه شکل‌گیری تربیت و آشکار کردن گنج پنهان زبان فرهنگ ایرانی برای فرزندان این مرزوبوم، تا در قالب زبان فرهنگ، روح معنایی و فرهنگی یک ملت به فرزندان آن منتقل شود و آنچنان دانش‌آموزان از درون قوی شوند که هر عنصر فرهنگی ناآشنا با هنجارهای اجتماعی خود را پس بزنند تا از قِبَل آن دانش و بینشی حاصل شود که به غنا و قدرت فرهنگ بومی کمک کند. آموزش هر زبانی در قالب فرهنگ آن زبان قابل قبول است. تنها در این صورت است که آموزش زبان خارجی نیز ابزاری برای ترویج فرهنگ خودی خواهد بود.

به‌طور خلاصه وقتی فرهنگ یک ملت در قالب زبان یاد گرفته می‌شود واقعیت‌های بی‌بدیل آن فرهنگ نیز در ذهن یادگیرنده منعکس می‌شود. این فرآیند برای بازشناسی فرهنگ بومی مهم به نظر می‌رسد. البته این موضوع در صورتی اتفاق می‌افتد که قبلاً زبان و روح فرهنگ خودی به‌طور عمیق درک شود. اینجاست که با آگاهی می‌توان در نزد خود، اندیشه زبان‌ها و فرهنگ‌ها را به بوته نقد گذاشت و بهترین آن‌ها را برگزید. پس باز هم به کتاب مثنوی معنوی که یکی از همان گنج‌های زبان فارسی است اقتدا می‌کنم:

آب کم جو تشنگی آور به دست

تا بجوشد آبت از بالا و پست

تا نزاید طفلک نازک گلو

کی روان گردد ز پستان شیر او
(مثنوی معنوی، دفتر سوم)

نتیجه اینکه ایجاد حس تعلق و نیاز درونی به اقیانوس عمیق و بی‌حد و مرز ادبیات فارسی که به زبان وحی نیز مزین است می‌تواند زلال اندیشه را آماده جوشش درونی برای آسمانی شدن آبشار فرهنگ کند.

* پی‌نوشت

۱. کتاب آموزشی آموزشگاه‌های زبان خارجی

* منابع

۱. نهج البلاغه (حضرت علی (ع) حکمت شماره ۳۸۴)
۲. مثنوی (مولوی، دفتر سوم) مثنوی (مولوی، دفتر دوم)
۳. جامعه‌شناسی زبان و توانش‌های زبانی فراگیرندگان زبان انگلیسی به‌عنوان یک زبان خارجی
۴. افخمی، علی (۱۳۷۹) جامعه‌شناسی زبان و توانش‌های زبانی فراگیرندگان زبان انگلیسی به‌عنوان یک زبان خارجی مجله دانش‌سکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، مقاله ۳۰، دوره ۱۵۶، شماره ۰، زمستان ۱۳۷۹.
۵. غزلیات حافظ

6. <http://rasekhoon.net/articleshow>